

An Investigation on Identity Challenges Faced by Muslim Women Immigrants in Europe

Reyhaneh Sadat Gerami¹ | Younes Nourbakhsh² | Rasoul Sadeghi³

1. PhD Student, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: reyhane.gerami@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: ynourbakhsh@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rassadeghi@ut.ac.ir

Article info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form Accepted

Published online

Keywords:

Muslim Woman,

Diaspora,

Identity Challenges,

Europe,

Religious Identity.

Abstract

The emergence of various conflicts and challenges as a result of Muslims' presence in European countries as well as the growing Muslim diaspora within a predominately secular context have sparked significant concerns in the field of social sciences. Concurrently, it is imperative to address the process of self-identification among Muslim immigrant women in Europe, as well as the potential obstacles they encounter in relation to their religious identity. Numerous studies have been conducted on this topic. This investigation implements a qualitative meta-analysis methodology to evaluate research conducted between 2010 and 2023 regarding the religious identity challenges of Muslim women in the European diaspora. The host society's negative attitudes and behaviors, the imposition of specific lifestyles on Muslim women, the uneven progression of Muslim immigrant women, internal scrutiny and prejudice, the clash between Islamic and European lifestyles, and the experience of double marginalization were all identified as six religious identity challenges. Muslim women have adopted four fundamental strategies: personalizing their religious identity, engaging in membership and participation within Islamic centers, embracing multidimensional and flexible identities, and endorsing a discourse of pure Islam. Indeed, this study illustrates that Muslim immigrant women in European societies are subjected to mutual pressures from both the host and their own communities. They attempt to manage these pressures and achieve a sense of equilibrium in their daily lives by implementing a diverse array of strategies.

واکاوی چالش‌های هویتی پیش‌روی زنان مهاجر مسلمان در اروپا

ریحانه سادات گرامی^۱ | یونس نوربخش^۲ | رسول صادقی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: reyhane.gerami@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: yunourbakhsh@ut.ac.ir

۳. دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rassadeghi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

جمعیت روبه‌رشد دیاسپورای مسلمان در کشورهای اروپایی با ساختار سکولار این جوامع، چالش‌ها و تعارض‌های متعددی را به همراه داشته است. یکی از مسائل مهم، فرایند هویت‌یابی زنان مهاجر مسلمان و چالش‌های مرتبط با هویت دینی آنان است که مورد توجه مطالعات مختلفی قرار گرفته است. این پژوهش به روش فراترکیب، پژوهش‌های انجام‌شده درباره چالش‌های هویتی-دینی زنان دیاسپورای مسلمان در اروپا طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ را بررسی و مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن‌ها را شناسایی می‌کند. شش چالش اصلی هویتی-دینی شناسایی شد: ذهنیت منفی و سوءرفتار جامعه میزبان، تحمیل سبک خاص زندگی، مسیر دشوار پیشرفت، نظارت و پیش‌دوری اجتماع خودی، تنش میان سبک زندگی اسلامی و اروپایی، و تجربه طردشدگی مضاعف. همچنین چهار راهبرد برای مقابله با این چالش‌ها شناسایی شدند: شخصی‌سازی هویت دینی، مشارکت در مراکز اسلامی، اتخاذ هویت‌های چندبعدی و منعطف، و گفتمان اسلام حقیقی. این پژوهش نشان می‌دهد زنان مسلمان مهاجر در اروپا تحت فشارهای متقابل از سوی جامعه میزبان و اجتماع خودی قرار دارند. آن‌ها با بهره‌گیری از راهبردهای مختلف تلاش می‌کنند این فشارها را مدیریت کنند و تعادلی در زندگی روزمره خود ایجاد کنند. یافته‌های پژوهش ابعاد پیچیده‌ای از هویت‌یابی زنان مسلمان در جوامع اروپایی را روشن می‌کند و ضرورت توجه بیشتر به این موضوع را نشان می‌دهد.

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

اروپا، چالش‌های هویتی، دیاسپورا، زن مسلمان،

هویت دینی.

۱. مقدمه

مواجهه مسلمانان با مدرنیته غربی، تاریخی بس طولانی و پرفرازونشیب دارد. در طول تاریخ، آشنایی ایران، مصر و دیگر کشورهای اسلامی با اروپای مدرن از طرق مختلفی صورت گرفته است. سفرهای گاه‌به‌گاه شاهان و نخبگان به اروپا، حضور مستشاران نظامی و فرهنگی غربی در ممالک اسلامی، ترجمه آثار فلسفی و ادبی جوامع اروپایی، اعزام دانشجو به این جوامع و تأسیس نهادهای مدرن صنعتی و علمی در کشورهای اسلامی، همگی از جمله طرق مذکور است. اگرچه مهاجرت از کشورهای اسلامی به اروپا مسوق به سابقه است، نیاز کشورهای اروپایی به نیروی کار موجب شد تا دیاسپورای مسلمانان در این جوامع به شدت افزایش یابد و اجتماعات اسلامی در آن‌ها روزبه‌روز بیشتر شود. بدین ترتیب موج مهاجرت مسلمانان به اروپا زمینه‌ساز ایجاد مسائل حقوقی، اجتماعی و فرهنگی شد؛ مسائل و چالش‌هایی که هم جوامع میزبان اروپایی و هم مسلمانان مهاجر ساکن در این جوامع را درگیر کرده است. اگرچه ممکن است مهاجران مسلمان در کشورهای خود نیز برخی جلوه‌های مدرنیته را تجربه کرده باشند، اما طی فرایند مهاجرت به غرب، مدرنیته و سکولاریسم را تمام‌قد و با تمامی ابعاد آن تجربه کرده‌اند که این خود به ایجاد مسائل مهمی در بخش‌های گوناگون زندگی مهاجران مسلمان منجر شده است.

در سال ۲۰۱۰، جمعیت مسلمانان اروپا حدود ۴۴،۱۳۸،۰۰۰ نفر برآورد شده است. پیش‌بینی می‌شود این عدد به ۵۸،۲۰۹،۰۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ برسد. در حال حاضر ۶ درصد کل جمعیت اروپا را مسلمانان تشکیل می‌دهند و برآوردها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۳۰، مسلمانان ۸ درصد جمعیت قاره اروپا را تشکیل خواهند داد (Noorbakhsh, 2019: 34). در واقع جوامع مسلمان با سرعت زیادی در اروپا توسعه یافته‌اند و اسلام به‌عنوان دومین دین در اغلب کشورهای اروپایی مطرح است (Mohseni, 2015: 157). مسلمانان در اروپا به‌عنوان یک اقلیت شناخته‌شده با چالش‌های گوناگونی در زندگی روزانه خود مواجه هستند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها هویت‌جویی مسلمانان در کشورهای اروپایی است. آنان مهاجرت به مقصدی را تجربه می‌کنند که با موطن آنان بسیار متفاوت است. اقلیت‌های مسلمان در غرب، غالباً از جوامع اسلامی که مسلمانان اکثریت غالب را تشکیل می‌دهند، به جوامعی سکولار و غیردینی مهاجرت کرده‌اند. در نتیجه هویتی که تا پیش از مهاجرت برای بسیاری از مسلمانان خدشه‌ناپذیر فرض می‌شد، به چالش کشیده می‌شود (Duderija & Rane, 2019: 54).

نوع حضور مسلمانان در کشورهای اروپایی نیز چالش‌های هویتی آنان را تشدید می‌کند؛ چرا که حضور آنان در اروپا اغلب از طریق مهاجرت کارگران، پناهندگان یا آوارگان بوده است، در نتیجه وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی آنان در جوامع مقصد، به‌نوبه خود بر دیدگاه منفی جامعه میزبان اروپایی به مهاجران مسلمان و تشدید مسائل هویتی آنان مؤثر خواهد بود (Duderija & Rane, 2019: 55). همچنین باید خاطرنشان کرد در راستای بهبود وضعیت اقلیت‌های دینی در جوامع اروپایی و متعاقباً تقویت دموکراسی در این‌گونه جوامع، پرداختن به چالش‌های مختلف دیاسپورا در اروپا، از جمله چالش‌های هویتی پیش‌روی مسلمانان مهاجر، امری ضروری به‌نظر می‌رسد. بررسی مسائل هویتی مهاجران مسلمان همچنین می‌تواند هم‌زیستی مهاجران در کنار جمعیت غالب جامعه میزبان را تسهیل و در نتیجه انسجام اجتماعی را در جوامع مذکور تقویت کند.

در این میان اما نکته قابل‌تأمل آن است که ظهور و بروز بسیاری از احکام چالش‌برانگیز دینی (مثل حجاب) در مورد زنان مسلمان مهاجر و نه مردان مصداق می‌یابد (Wigdan, 2006: 3). در واقع حجاب و حضور محجبه زنان مسلمان در جوامع غربی، خود زمینه‌ساز چالش‌هایی برای زنان مسلمان خواهد بود؛ چالش‌هایی که به‌هر حال مختص آن‌ها است و گریبان‌گیر مردان نخواهد شد. همچنین تفاوت نقش‌های جنسیتی بیشتر در مورد زنان مصداق می‌یابد. مواردی مانند مادری، همسری و... از نقش‌های جنسیتی‌ای هستند که در رابطه با زنان

تعریف می‌شوند و محتمل است که تفاوت این تعاریف در فرهنگ جوامع اسلامی و اروپایی، زنان مهاجر مسلمان را با مسائلی روبه‌رو سازد. از این‌رو مطالعه کنونی به‌طور مشخص، بر چالش‌های هویتی دینی زنان مسلمان مهاجر در اروپا تأکید دارد. البته ناگفته نماند که ممکن است برخی از این زنان نیز به دلایلی مثل تغییر دین خود در جامعه مقصد، دچار هیچ‌گونه چالشی نباشند که منوطاً این دسته از زنان مسلمان، مورد بررسی مطالعه کنونی نبوده‌اند و زانی مورد توجه قرار گرفته‌اند که به‌نوعی در ارتباط با هویت دینی‌شان در جامعه مقصد دچار چالش شده‌اند. نکته دیگر آنکه تنها چالش‌هایی مطرح نظر بوده‌اند که به‌نحوی با هویت دینی زنان مسلمان گره می‌خورد و انواع دیگر هویت‌ها بررسی نشده‌اند. همچنین مطالعه راهبردهای اتخاذشده توسط زنان مهاجر مسلمان در قبال چالش‌های هویتی مذکور، محور دیگر مطالعه کنونی است. درنهایت و با توجه به تمامی موارد بیان‌شده، پژوهش کنونی در پی آن بوده است تا به‌طور مشخص، به سؤالات ذیل در ارتباط با چالش‌های هویتی دینی زنان مهاجر مسلمان در اروپا پاسخ دهد:

۱. زنان مسلمان چه نوع چالش‌هایی را در رابطه با هویت خودشان (هویت دینی)، در فضای جوامع اروپایی تجربه می‌کنند؟

۲. زنان مسلمان چگونه با چالش‌های مذکور کنار می‌آیند؟ به عبارت دقیق‌تر چه راهبردهایی را برای مواجهه با چالش‌های مذکور به‌کار می‌گیرند؟

همچنین شایان ذکر است که این مقاله در بخش نظری، به مفاهیم کلیدی‌ای مانند «غیریت‌سازی» و «هویت دینی» می‌پردازد و با بهره‌گیری از چارچوب نظری جان بری در خصوص راهبردهای فرهنگ‌پذیری، تجربیات زنان مسلمان مهاجر را تحلیل می‌کند. در بخش روش‌شناسی، از رویکرد فراترکیب کیفی استفاده شده که شامل تحلیل و تلفیق نتایج ۲۴ پژوهش منتخب در کشورهای اروپایی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ است. این روش، امکان ارائه تفسیری جامع و کل‌نگر را فراهم می‌آورد و به استخراج چالش‌ها و راهبردهای هویتی زنان مسلمان مهاجر در بافت‌های متنوع فرهنگی کمک می‌کند. در ادامه، ابتدا پیشینه نظری و تجربی موضوع بررسی می‌شود. سپس روش‌شناسی تحقیق و مراحل انتخاب مطالعات توضیح داده می‌شود. بعد از آن، یافته‌ها شامل چالش‌های هویتی دینی و راهبردهای اتخاذشده توسط زنان مسلمان مهاجر مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان، نتایج و پیشنهادها پژوهش ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در این قسمت، پیشینه تجربی و همچنین مباحث نظری و مفهومی مرتبط با مسئله اصلی مطالعه، به‌اختصار مرور می‌شود.

۲-۱. پیشینه تجربی

پژوهش‌های متعددی با رویکردی کل‌نگر و در قالب فرامطالعه، به بررسی وضعیت مسلمانان مهاجر در غرب پرداخته‌اند. موضوعاتی مانند تجربه تبعیض (به‌ویژه تبعیض شغلی)، مواجهه با اسلام‌هراسی و تأثیرات این تجربیات و مواجهات بر سلامت روانی و جسمانی مهاجران مسلمان از مسائلی است که در این فرامطالعه‌ها مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه، احمد و گوری^۱ در فراتحلیلی جامع، هفت مطالعه کمی را مرور کردند و نشان دادند زنان محجبه چهل درصد کمتر از زنانی که حجاب ندارند، فرصت استخدام دارند. این پژوهش به‌روشنی تأثیرات تبعیض آمیز حجاب را بر فرصت‌های شغلی زنان مسلمان در غرب نمایان می‌سازد (Ahmed & Gorey, 2021: 7). به‌علاوه، بارتکوسکی، لینچ، ویت و رودولف^۲ در فراتحلیلی دیگری به بررسی ۲۶ مطالعه کمی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مسلمانان و اعراب، به‌خصوص در مراحل اولیه استخدام مانند بررسی رزومه با تبعیض مواجه‌اند؛ امری که می‌تواند مانع پیشرفت شغلی آنان شود (Bartkoski et al., 2018: 1).

1. Sofia Ahmed & Kevin M. Gorey

2. Timothy Bartkoski, Ellen Lynch, Chelsea Witt, & Cort Rudolph

سید و کاتاولا^۱ نیز در فرامطالعه‌ای دیگر، تأثیرات تعصبات دینی، فرهنگی و نژادی بر مسلمانان در جوامع غربی را بررسی کردند و نتایج آن‌ها حاکی از ارتباط قوی میان این تبعیض‌ها و مسائل روانی مانند افسردگی و اضطراب است (Kathawalla & Syed, 2021: 1). فاروقی و کاوشیک^۲ نشان دادند اسلام‌هراسی بر رشد و توسعه جوانان مسلمان تأثیرات عمیقی دارد و بر لزوم پژوهش‌های بیشتر برای حمایت از این افراد تأکید کردند (Farooqui & Kaushik, 2022: 2). فرامطالعه سماری، آلكالا و شریف^۳ نیز مشخص کرد تجربه اسلام‌هراسی با افزایش استرس، اضطراب و کاهش دسترسی به خدمات بهداشتی در میان مسلمانان همراه است (Samari, Alcalá, & Sharif, 2018: 2).

البته احساس تعلق مسلمانان به جامعه میزبان نیز موضوعی است که در فرامطالعه‌های مرتبط بررسی شده است. ستاکمر و مورو^۴ در قالب یک فراترکیب و با تحلیل ۲۹ مطالعه به این نتیجه رسیدند که میزان احساس تعلق مسلمانان به کشور میزبان، بسته به کشور و سطح تحصیلات متفاوت است (Stockemer & Moreau, 2021: 1). همچنین سزگین^۵ در بررسی مشابهی نشان داد مسلمانان در اروپا در مقایسه با آمریکای شمالی احساس تعلق و هویت کمتری به کشور میزبان دارند و وابستگی آنان عمدتاً به محله و شهر محدود می‌شود (Sezgin, 2022: 11).

با وجود اهمیت این مطالعات، به نظر می‌رسد فرامطالعه‌های گذشته، چالش‌های هویتی دینی زنان مسلمان مهاجر را کمتر مطالعه کرده‌اند. در واقع پژوهش‌های اندکی با نگاهی کل‌نگر، به چالش‌های هویتی دینی زنان مذکور و راهبردهای مقابله‌ای با آن پرداخته‌اند. اگرچه برخی مطالعات بر هویت و احساس تعلق مسلمانان متمرکزند، این پژوهش‌ها بیشتر به حس تعلق مهاجران به جامعه میزبان توجه دارند و کمتر به هویت دینی و احساس تعلق آنان به دین پرداخته‌اند. پرداختن به هویت دینی زنان مسلمان مهاجر از این جهت اهمیت ویژه‌ای دارد که برخلاف مردان، زنان اغلب از نمادهای ظاهری مانند حجاب استفاده می‌کنند و به همین دلیل بیشتر در معرض تبعیض و قضاوت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. علاوه بر این، مواجهه با تبعیض‌های جنسیتی و انتظارات دوگانه از سوی جامعه میزبان و خانواده، بحران‌های هویتی پیچیده‌تری برای آنان به وجود می‌آورد و می‌تواند پیامدهایی منفی برای سلامت روانی و جسمانی آنان داشته باشد.

از این رو، نبود پژوهش‌های جامع و کل‌نگر که به‌طور خاص به تجربه‌های زنان مسلمان مهاجر در زمینه چالش‌های هویتی دینی و راهبردهای مواجهه با آن‌ها بپردازد، نیاز به انجام یک فرامطالعه در این حوزه را پررنگ‌تر می‌کند. در مطالعه حاضر با نگاهی جامع و فراگیر، به این نیاز پاسخ می‌دهد و چالش‌های هویتی دینی زنان مسلمان مهاجر در اروپا و راهبردهای آنان را برای مواجهه با این چالش‌ها را بررسی می‌کند.

۲-۲. تأملات نظری و مفهومی

در این بخش مباحثی مرتبط با دغدغه‌ها و اهداف اصلی پژوهش مطرح و چارچوبی مفهومی برای بررسی چالش‌های هویتی دینی زنان مسلمان مهاجر در جوامع غربی ارائه می‌شود. این بخش در سه محور اساسی سازمان‌دهی شده است: نخست، به تحلیل فرایند دیگری‌سازی در غرب پرداخته شده است؛ فرایندی که خود زمینه‌ساز چالش‌های هویتی برای زنان مسلمان مهاجر می‌شود. در محور دوم، به ذات اجتماعی هویت و هویت دینی پرداخته شده و با تبیین تأثیرات دیگری‌سازی از مسلمانان بر هویت دینی آنان، امکان درک عمیق‌تری از چالش‌های هویتی فراهم می‌شود. محور سوم به بررسی راهبردهای فرهنگ‌پذیری و نحوه تعامل مهاجران با جامعه میزبان

1. Ummul-Kiram Kathawalla & Moin Syed

2. Jannat Fatima Farooqui & Archana Kaushik

3. Goleen Samari, Héctor E Alcalá, & Mienah Zulfacar Sharif

4. Daniel Stockemer & Shona Moreau

5. Zeynep Sezgin

اختصاص دارد. در این زمینه به‌ویژه در کشورهای غربی میزبان که تصویرهای نه‌چندان مثبت از مسلمانان وجود دارد، راهبردهای مختلفی که مهاجران مسلمان در رویارویی با فرهنگ غالب جامعه میزبان اتخاذ می‌کنند، اهمیت می‌یابد. در محور مذکور، ناظر به دیدگاه‌های بری، چارچوبی برای تحلیل واکنش‌ها و راهبردهای اتخاذ‌شده توسط زنان مهاجر مسلمان فراهم شده است.

۲-۲-۱. غیریت‌سازی^۱

استوارت هال^۲، متفکر حوزه مطالعات انتقادی-فرهنگی، معتقد است وجود «دیگری» و «غیر» برای غرب یک ضرورت است؛ چرا که نمایاندن غرب به‌عنوان اوج تاریخ بشریت، بدون غیریت‌سازی و ایجاد تقابل با غیر میسر نخواهد بود. غرب نیاز دارد تا همیشه یک دیگری داشته باشد؛ دیگری‌ای که نماد نفی هرگونه نشانه‌ای از مدرنیته، روشنگری و عقلانیت غربی باشد. به تعبیر میشل فوکو^۳، «دیگری» نقش مهمی در تعریف «خود» غربی ایفا و به تثبیت مفهوم برتر «خود غربی» کمک می‌کند؛ به طوری که غرب به‌عنوان نمادی از خردگرایی، مدنیت و اخلاق تعریف می‌شود (Jafarinejad & Qaidi, 2012: 118).

ادوارد سعید^۴ در کتاب *شرق‌شناسی* توضیح می‌دهد که غرب در طول تاریخ با ساختن تصاویری نادرست و کلیشه‌ای از شرق و اسلام، شرق را به‌عنوان «دیگری» خود خلق کرده است. این دیدگاه به معنای اختراع نوعی شرق خیالی توسط غرب است؛ شرقی که در بازنمایی‌های غربی به‌عنوان سرزمین جهل، تعصب، خشونت و جنگ‌طلبی تصویر شده است. سعید توضیح می‌دهد که غربی‌ها از این بازنمایی‌ها به‌عنوان ابزاری برای توجیه برتری فرهنگی و قدرت سیاسی خود استفاده می‌کردند. درواقع از دیدگاه سعید، بازنمایی‌های غرب از شرق، نه بازتاب واقعیت‌های جوامع شرقی، بلکه نوعی تفسیر متنی و ذهنی بوده که به غرب امکان می‌داد اسلام را به‌عنوان «دیگری» که در تقابل با مدرنیته غربی قرار دارد، معرفی کند (Said, 2011: 83).

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، دشمن اصلی غرب، شوروی و ایدئولوژی کمونیسم بود، اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تک‌قطبی‌شدن جهان، نظام سرمایه‌داری نیازمند یک «دیگری» جدید بود تا بتواند رفتارها و کنش‌های توسعه‌طلبانه خود را توجیه کند. جهان اسلام به‌دلیل تمایز فرهنگی و ایدئولوژیک، بستر مناسبی برای این بازنمایی جدید شد و تبدیل به «دیگری» غرب شد (Akbari, 2014: 24). در این میان، سنت دیرینه شرق‌شناسی در غرب، به‌نوعی این فرایند را تسریع کرد. اسپیواک^۵ در مقاله مشهور خود (آیا می‌توان زیردستان سخن بگویند) توضیح می‌دهد که بازنمایی‌های کلیشه‌ای و منفی، مانند آنچه در شرق‌شناسی وجود دارد، به ساکنان شرق اجازه نمی‌دهد تا هویت واقعی و متنوع خود را به نمایش بگذارند، بلکه تنها کلیشه‌هایی سطحی و گمراه‌کننده از آنان ساخته می‌شود (Spivak, 1988: 68)؛ بنابراین فرایند غیریت‌سازی از اسلام، به دیگری‌سازی از مسلمانان و به‌ویژه مهاجران مسلمان در کشورهای غربی منجر شد. در چنین بستری، مسلمانان و به‌طور خاص مهاجران مسلمان در جوامع اروپایی، غالباً به‌عنوان غیر، بیگانه و تهدیدی برای امنیت و ارزش‌های غربی تلقی می‌شوند. هویت‌یابی برای مسلمانان در چنین فضایی، فرایندی بسیار دشوار و پیچیده خواهد بود.

1. othering

2. Stuart Hall

3. Paul Michel Foucault

4. Edward Said

5. Gayatri Chakravorty Spivak

۲-۲-۲. ذات اجتماعی هویت

فرایند غیریت‌سازی مسلمانان و بازنمایی‌های منفی از آنان، زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که بدانیم فرایندهای مذکور چطور می‌تواند هویت مهاجران مسلمان و به‌خصوص هویت دینی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. برای درک این اثرگذاری، ابتدا باید به توضیحی درباره مفهوم و تعریف هویت بپردازیم. هویت در نخستین گام، یک سؤال است. در واقع هویت بیشتر از آنکه پاسخی قاطع باشد، در ذات خود دربردارنده یک پرسش اساسی است: من کیستم (Benoist, 2004: 9). از نگاه روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان، پاسخ به این سؤال در بستر زندگی جمعی شکل می‌گیرد؛ به این معنا که هویت انسان‌ها از طریق تعاملات اجتماعی و ارتباط با محیط پیرامونشان ساخته و پرداخته می‌شود. از همین جا مفهوم «هویت اجتماعی» شکل می‌گیرد.

مید^۱ به‌عنوان پیشگام نظریه هویت اجتماعی معتقد است هر فرد هویت خود را با سازمان‌دهی نگرش‌های دیگران در قالب‌های اجتماعی و گروهی می‌سازد. به عبارت دیگر، تصویر و احساسی که فرد از خود دارد، بازتاب نگرشی است که دیگران به او دارند (Mead, 1964: 138-139). کولی^۲ نیز با طرح مفهوم «خود آینه‌ای» تأکید می‌کند که خودآگاهی فرد، بازتابی از نظرات دیگران در مورد او است و از طریق ارتباطات اجتماعی رشد می‌یابد (Coser, 1994: 445). گافمن^۳ در همین راستا، با معرفی مفهوم «داغ‌نگ» و «هویت تخریب‌شده» توضیح می‌دهد چطور برچسب‌ها و انگ‌های اجتماعی می‌توانند تصویر فرد از خودش را مخدوش کنند (Goffman, 2007: 92). در ادامه، تاجفل^۴ با رویکردی اندکی متفاوت، نظریه خود را مطرح می‌کند و هویت اجتماعی را به پیوند فرد با گروه و حس تعلق او نسبت می‌دهد. به‌زعم او هویت اجتماعی عبارت است از «دانش و آگاهی فرد از عضویت در یک گروه اجتماعی خاص که با میزانی از اهمیت ارزشی و عاطفی بابت عضویت در چنین گروهی همراه است» (Tajfel & Turner, 2004: 283).

بنابراین، به نظر پژوهشگران علوم اجتماعی، هویت بدون زمینه اجتماعی معنا ندارد و ذاتاً اجتماعی است. هویت دینی^۵ نیز به‌عنوان یکی از مصادیق هویت، اغلب اجتماعی تلقی و براساس تعاریف هویت اجتماعی تبیین می‌شود (Bloom et al., 2015: 2). سؤال^۶ در همین راستا، هویت دینی را ذاتاً اجتماعی می‌داند و آن را در ارتباط با گروه تعریف می‌کند. به‌زعم او هویت دینی شامل عضویت در گروه‌های مذهبی، پذیرش نظام‌های اعتقادی، تأیید اهمیت ارزش‌های دینی، تعهد به گروه‌های مذهبی و اعمال مربوط به مذهب است (Seol, 2010: 92). به عبارت دیگر، هویت دینی به‌مثابه هویتی اجتماعی با مجموعه‌ای از نشانه‌ها کار دارد که مرز میان گروه دینی و سایر گروه‌ها را مشخص می‌کند و موجب تمایز میان اعضای درون گروه و برون گروه می‌شود و فرد احساس تعلق و تعهد نسبت به گروه مذهبی خود پیدا می‌کند (Ghanbari & Hemmati, 2014: 133).

بنابراین، با توجه به دیدگاه‌های ارائه‌شده درباره مفهوم هویت و ذات اجتماعی آن، هویت دینی زنان مسلمان مهاجر نیز هویتی اجتماعی است. از یک سو، با توجه به دیدگاه‌های تاجفل و سؤال، این هویت در پیوند با گروه اقلیت مسلمان و حس تعلق به این گروه شکل می‌گیرد و از سوی دیگر، مطابق با نظریه‌های کنش متقابل، تحت تأثیر نگرش جامعه میزبان نسبت به آنان قرار می‌گیرد. با در نظر گرفتن این مفهوم از هویت دینی زنان مسلمان مهاجر، جریان‌های غیریت‌سازی، اسلام‌هراسی و بازنمایی‌های منفی از مسلمانان در غرب می‌تواند این هویت را به چالش بکشد. این بازنمایی‌های منفی از اسلام، از یک سو احساس تعلق آنان به اقلیت مسلمانان را متزلزل می‌کند و از سوی دیگر، برداشت و تعریف آن‌ها از خود به‌عنوان یک مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

1. George Herbert Mead

2. Charles Cooley

3. Erving Goffman

4. Henri Tajfel

5. Religious identity

6. Seol, Kyoung Ok

۲-۲-۳. راهبردهای فرهنگ‌پذیری^۱

فرهنگ‌پذیری یکی از مفاهیم کلیدی است که بررسی و تحلیل چالش‌های هویتی و فرهنگی مهاجران در جامعه میزبان را تسهیل می‌کند. این مفهوم توضیح می‌دهد که وقتی مهاجرانی که پیش‌تر در فرهنگی متفاوت جامعه‌پذیر شده‌اند، با یک فرهنگ جدید روبه‌رو می‌شوند، چه فرایندی طی می‌شود. همچنین فرهنگ‌پذیری به بررسی راهبردهایی می‌پردازد که مهاجران در برخورد با فرهنگ جدید اتخاذ می‌کنند (Berry, 1997: 7). با توجه به فضای کشورهای اروپایی و دیگری‌پنداری مسلمانان، بررسی فرهنگ‌پذیری و چگونگی تعامل مهاجران با جامعه میزبان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مهاجران مسلمان در هنگام ورود به کشورهای غربی، نه تنها با فرهنگی متفاوت، بلکه با جامعه‌ای مواجه می‌شوند که به دلیل بازنمایی‌های منفی از آنان، مملو از تابوها و انگ‌های گوناگون در رابطه با مسلمانان است. در چنین فضایی، راهبردهایی که مهاجران مسلمان برای تعامل با فرهنگ و جامعه میزبان در پیش می‌گیرند، بسیار مهم است.

برای^۲ یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه فرهنگ‌پذیری، معتقد است راهبردهای فرهنگ‌پذیری براساس دو محور اصلی شکل می‌گیرد: نخست، اهمیت و حفظ هویت فرهنگی یک گروه و مؤلفه‌های آن و دوم، میزان ارتباط و تماس گروه با سایر گروه‌های فرهنگی. به گفته بری، با توجه به این دو محور، چهار نوع راهبرد برای فرهنگ‌پذیری مهاجران تعریف می‌شود: زمانی که افراد گروه اقلیت (مهاجران)، در پی حفظ هویت خود نیستند و به دنبال تماس و تعامل مداوم با گروه اکثریت هستند، راهبرد همانندی^۳ شکل می‌گیرد و برعکس، زمانی که گروه اقلیت، فرهنگ خود را بسیار ارزشمند می‌شمارند و از تعامل با فرهنگ جامعه میزبان به‌طور جدی، اجتناب می‌کنند، راهبرد جدایی^۴ شکل خواهد گرفت. اما زمانی گروه غیرغالب، هم تمایل به حفظ فرهنگ خود را داشته باشند و هم در پی تماس و ارتباط با اعضای جامعه بزرگ‌تر باشد، راهبرد ادغام^۵ به‌وجود خواهد آمد؛ و زمانی که به دلایلی گروه غیرغالب، نه تمایل به حفظ فرهنگ خود را داشته باشد و نه تمایلی برای ارتباط با دیگران و فرهنگ گروه غالب، حاصل چنین رویکردی، راهبرد حاشیه‌ای شدن^۶ خواهد بود (Berry, 1997: 9). در مطالعه کنونی نیز پژوهشگر به دنبال آن است تا ناظر به چارچوب نظری بری، واکنش زنان مهاجر مسلمان را در مواجهه با فرهنگی که هویت دینی آن‌ها را به چالش می‌کشد، بررسی کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در مطالعه پیش‌رو، به روش فرامطالعه (فرا ترکیب)، به بررسی تحقیقات انجام‌شده در ارتباط با زنان مهاجر مسلمان در کشورهای اروپایی طی چهارده سال اخیر (۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳) پرداخته شود. با توجه به رشد پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف، یکی از روش‌هایی که در سال‌های اخیر برای بررسی و ترکیب مطالعات موجود در یک حیطه موضوعی استفاده شده فرامطالعه است. فرامطالعه به معنای بررسی مجدد نتایج تحلیل‌های پیشین است. این رویکرد فرصتی برای بازاندیشی و دستیابی به تفاسیر نو فراهم می‌کند. یکی از انواع فرامطالعه فراترکیب است (Shahnavaz, 2017: 53). می‌توان گفت فراترکیب، نوعی روش تحقیق کیفی است که به منظور ایجاد تفسیری خلاقانه و جدید از یافته‌های کیفی موجود به کار گرفته می‌شود. روش فراترکیب یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که برای تحلیل و ترکیب سیستماتیک نتایج پژوهش‌های کیفی پیشین در یک حوزه خاص استفاده می‌شود. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا تفسیری خلاقانه و جامع از یافته‌های موجود ارائه دهد و اغلب برای ایجاد یک دیدگاه کل‌نگر و شفاف به پدیده‌های پیچیده به کار می‌رود.

1. Acculturation strategies

2. John Berry

3. Assimilation

4. Separation

5. Integration

6. Marginalization

فراترکیب فراتر از جمع‌آوری و خلاصه‌کردن نتایج است و هدف آن ارائه تحلیل‌های سطح بالاتر و ایجاد تفسیرها و بینش‌های تازه است (Beck, 2022: 95).

در حوزه‌هایی مانند چالش‌های هویتی زنان مهاجر مسلمان که ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... به هم مرتبط هستند، استفاده از فراترکیب به فهم و درک عمیق‌تر از تعامل این ابعاد کمک می‌کند. همچنین ناظر به چارچوب نظری مقاله که مبتنی بر مفاهیمی مانند غیریت‌سازی، هویت اجتماعی و فرهنگ‌پذیری است، روش فراترکیب، داده‌های تجربی را که این مفاهیم را در محیط واقعی بررسی کرده‌اند، گردآوری می‌کند و بینش‌های جدیدی ارائه می‌دهد. درواقع، بررسی یافته‌های چندین مطالعه به موازات یکدیگر و در کنار هم فرصتی فراهم می‌کند تا محقق به تفسیرها و مضامین جدیدی در رابطه با چالش‌های هویتی زنان مسلمان و راهبردهای اتخاذشده توسط آنان برسد. به‌نظر می‌رسد چنین امکانی بدون اتخاذ روش‌های کل‌نگر مانند فراترکیب میسر نبود.

۳-۱. مراحل جست‌وجو و انتخاب مطالعات کیفی

برای جمع‌آوری پژوهش‌های مورد نیاز، ناظر به مفاهیم اصلی و ادبیات نظری مرتبط با موضوع مقاله، کلیدواژه‌های «زنان مسلمان»، «مهاجران مسلمان»، «هویت»، «اروپا»، «غرب»، «چالش‌های هویتی»، «هویت دینی»، «اسلام‌هراسی»، «فرهنگ‌پذیری» و همچنین ترکیب‌هایی از این کلمات در پایگاه‌های علمی تیلور و فرانسیس^۱، اشپرینگر^۲، جی استور^۳، الزویر^۴، سیج^۵، ریسرچ گیت^۶، گوگل اسکالر^۷ جست‌جو شد. بازه زمانی جست‌جو سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ بود. همچنین برای یافتن مطالعات داخلی انجام‌شده، کلیدواژه‌های «زنان مسلمان»، «مهاجر»، «هویت» و «اروپا» در پایگاه‌های داخلی نظیر پورتال جامع علوم انسانی و پایگاه مجلات تخصصی نور جست‌وجو شدند.

ابتدا تمامی مطالعات (اعم از مقاله، رساله، پایان‌نامه و کتاب) که عنوانشان به‌نوعی با موضوع چالش‌های هویتی زنان مسلمان در اروپا پیوند داشت، تفکیک شدند. در مرحله نخست جست‌وجو، انتخاب ۷۶ مطالعه براساس عنوان، در بازه زمانی مورد نظر صورت گرفت. در مرحله بعد، ۳۸ مطالعه براساس چکیده و مسئله اصلی بررسی و گزینش شد. در مرحله سوم، محتوای مطالعات (بخش نظری، روش‌شناسی، یافته‌ها و...) بررسی شد و درنهایت، ۲۴ مطالعه کیفی برای انجام فراترکیب شناسایی شدند. در شکل ۱، فرایند جست‌وجوی مطالعات کیفی و چگونگی انتخاب ۲۴ پژوهش برگزیده نمایش داده شده است. همچنین در جدول ۱ عناوین، سال انتشار و نام نویسنده یا نویسندگان ۲۴ پژوهش منتخب آمده است.

1. Taylor & Francis

2. Springer

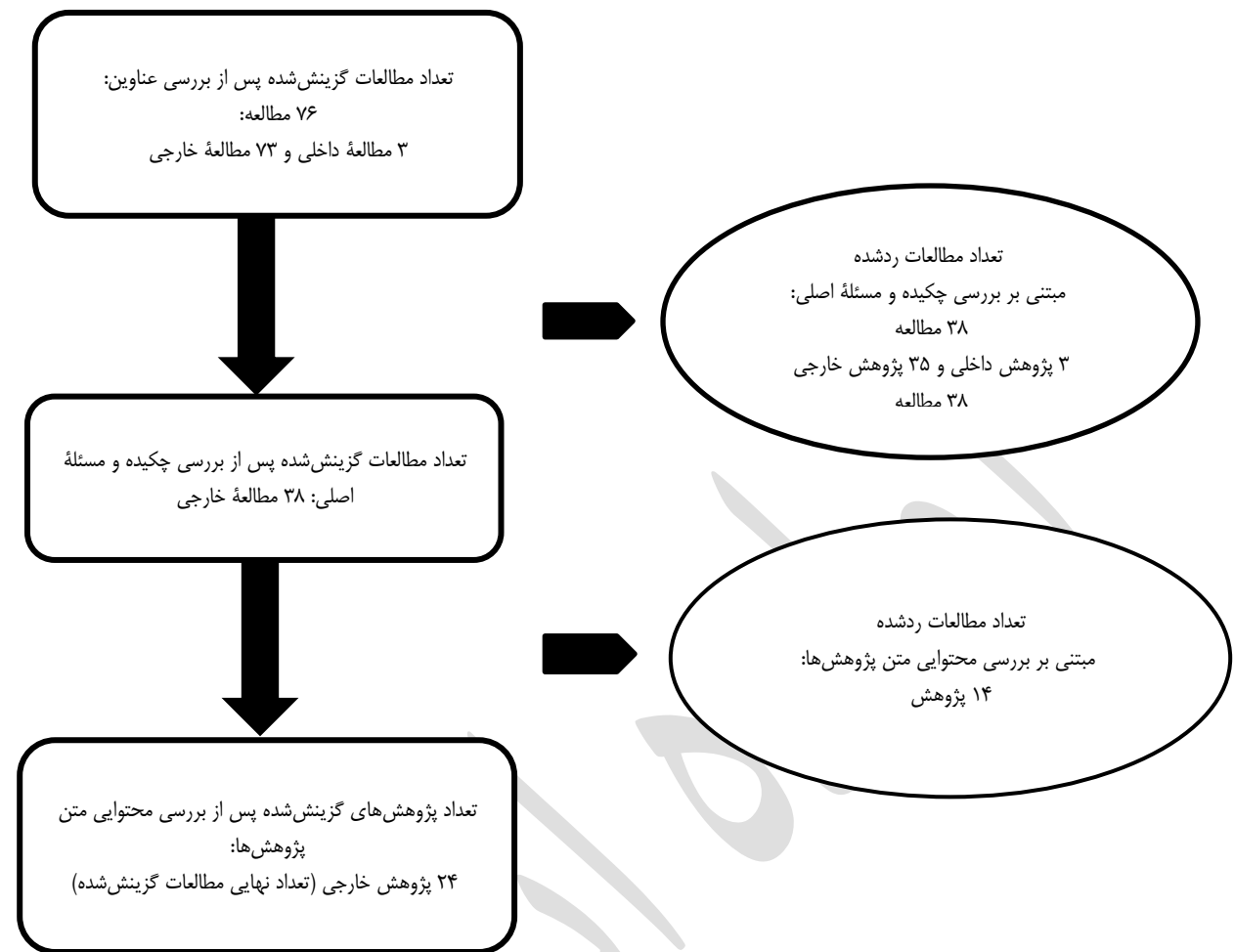
3. Jstor

4. Elsevier

5. Sage

6. ResearchGate

7. Google Scholar



شکل ۱. چگونگی جستجوی مطالعات کیفی مرتبط

جدول ۱. عناوین، نام نویسندگان و سال انتشار پژوهش‌های منتخب

نام نویسندگان و سال انتشار	نام پژوهش	کد پژوهش
Amer, Amena, Caroline Howarth, & Ragini Sen, (2015)	Diasporic virginites: Social representations of virginity and identity formation amongst British Arab Muslim women	۱
Sibai & Salam Adlbi, (2015)	Narratives of Spanish Muslim Women on the Hijab as a Tool to Assert Identity	۲
Heidi Safia Mirza (2012)	A second skin?: Embodied intersectionality, Transnationalism and narratives of identity And belonging among Muslim women in Britain	۳

Santi Rozario & Geoffrey Samuel (2012)	Young Muslim Women and the Islamic Family: Reflections on Conflicting Ideals in British Bangladeshi Life	۴
Ramsey Wyles (2017)	What's in a word? intersectionality and the identity of Muslim women in France today	۵
Española me, Del velory, & Espanola (2010)	Veiled Muslim women and European identity in Spanish PRESS Representation and re-articulation of Islamic veiling and identity construction	۶
Lucy Avraamidou (2019)	I am a young immigrant woman doing physics and on top of that I am Muslim": Identities, intersections, and negotiations	۷
Ladan Rahbari & Chia Longman (2018)	Between me and my God: a life story narrative of conciliating cultural discourses and personalizaion of Islam	۸
Megan Hunt, Anke Franz, & Dennis Nigbur (2020)	Dual identity, conflict, and education: an exploration of the lived experience of social relationships of young British Muslim women who attend British universities	۹
Irene Zempi (2016)	It's a part of me, I feel naked without it': choice, agency and identity for Muslim women who wear the niqab	۱۰
Nahid Afrose Kabir (2016)	Muslim Women in Australia, Britain and the United States: The Role of "Othering" and Biculturalism in identity formation	۱۱
Kjersti Selvåg Holtan (2019)	Analyzing the Norwegian media debates on negative social control Women with Muslim backgrounds negotiations' of Citizenship as belonging, identity and participation	۱۲
Sara Silvestri (2011)	Faith intersections and Muslim women in the European microcosm: notes towards the study of non-organized Islam	۱۳
Masoumeh Velayati (2018)	Formation of religious identity among British Muslim women	۱۴
Synnøve K.N. Bendixsen (2013)	the Religious Identity of Young Muslim Women in Berlin An Ethnographic Study	۱۵
Anil Al-Rebholz (2015)	Intersectional Constructions of (Non-)Belonging in a Transnational Context: Biographical Narratives of Muslim Migrant Women in Germany	۱۶
Sariya Contractor (2012)	Muslim Women in Britain De-mystifying the Muslimah	۱۷
Louise Ryan (2011)	MuslimWomen NegotiatingCollective Stigmatization: 'We're Just Normal People	۱۸

Franz, Hunt, & Nigbur (2020)	Dual identity, conflict, and education: An exploration of the lived experience of social relationships of young British Muslim women who attend British universities	۱۹
Lara-Zuzan Golesorkhi (2021)	Protection by whom, for whom? Muslim refugee women facing a contested European identity	۲۰
Verena Maske (2017)	IMAN-cipation – Identity Politics of young Muslim Women within the “Muslim Youth in Germany e.V. (MJD)” between Agency, Submission and Repression. An Analysis of the Transformation of Gender-Roles	۲۱
Asifa Siraj (2011)	Meanings of modesty and the <i>hijab</i> amongst Muslim women in Glasgow, Scotland	۲۲
Anne Tjønndal Jorid Hovden (2021)	Will God condemn me because I love boxing? Narratives of young female immigrant Muslim boxers in Norway.	۲۳
Carme Garcia Yestea, Ouarda El Miri Zeguaria, Pilar Álvarez, & Teresa Morlà Folch (2020)	Muslim women Wearing the niqab in Spain: Dialogues around discrimination, identity and freedom	۲۴

۵. بحث و تفسیر یافته‌های پژوهش

در راستای انجام فراترکیب و تحلیل مطالعات کیفی منتخب، یافته‌های مطالعات مذکور از طریق تحلیل مضمون^۱ بررسی شدند. بدین منظور، با توجه به دو سؤال اصلی پژوهش (چالش‌های هویتی پیش‌روی زنان مسلمان و راهبردهای آنان)، یافته‌های ۲۴ پژوهش کیفی منتخب به صورت باز کدگذاری شدند. سپس در مرحله دوم، بار دیگر دسته‌بندی کدها انجام شد و مقوله‌ها شکل گرفتند. مقوله‌ها در راستای سؤالات اصلی پژوهش قوام یافتند. در واقع تعدادی از مقوله‌ها مرتبط با چالش‌های هویتی پیش‌روی زنان مسلمان و تعدادی دیگر مرتبط با راهبردهای زنان مسلمان مهاجر در مواجهه با این چالش‌ها به وجود آمدند. در مرحله سوم اما مقوله‌های به دست آمده در رابطه با چالش‌ها و راهبردها، بار دیگر دسته‌بندی شدند و مضامین اصلی به دست آمدند. در جدول ۲، مقوله‌ها و مضامین اصلی در چالش‌های هویتی دینی قابل مشاهده است و در جدول ۳، مضامین اصلی راهبردها در مواجهه با چالش‌های مذکور آمده است.

^۱. Thematic analysis

۵-۱. چالش‌های هویتی (دینی) پیش‌روی زنان مسلمان

در جدول ۲، مقوله‌ها و مضامین اصلی چالش‌های هویتی دینی پیش‌روی زنان مسلمان قابل مشاهده است. چالش‌ها در جدول ۲ با تحلیل نتایج پژوهش‌های کیفی در کشورهای آلمان، فرانسه، نروژ، اسپانیا، اسکاتلند و بریتانیا به دست آمده است؛ بنابراین، یافته‌های فراترکیب کنونی صرفاً مرتبط با نتایج پژوهش‌های کیفی مشخصی در کشورهای اروپایی مذکور است و ادعای تعمیم ندارد.

جدول ۲. چالش‌های هویتی دینی پیش‌روی زنان مسلمان

مقوله‌ها	شماره پژوهش‌های مرتبط با مقوله‌ها و مضامین اصلی	مضامین اصلی (چالش‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - اعمال خشونت لفظی و فیزیکی در مورد زنان مسلمان و به خصوص محجبه - پیش‌داوری و برچسب‌زنی به زنان محجبه - وجود تصویری تاریک از زن مسلمان در جامعه اروپایی 	۲، ۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴	ذهنیت منفی و سوءرفتار جامعه میزبان
<ul style="list-style-type: none"> - اتخاذ سیاست‌های همسان‌سازی در مورد مهاجران مسلمان - اجبار زنان مسلمان برای شبیه‌شدن به زنان جامعه میزبان - سیاست‌های سخت‌گیرانه سکولاریسم در فرانسه، مانند ممنوعیت حجاب در مدارس و اماکن عمومی - تحمیل ارزش‌های لیبرال غربی به زنان مسلمان مهاجر 	۱۲، ۵، ۲۰	تحمیل سبک خاصی از زندگی به زنان مسلمان
<ul style="list-style-type: none"> - تجربه کنترل از سوی خانواده - تجربه قضاوت از سمت خانواده، اجتماع قومی و هم‌کیشان مسلمان 	۲، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳	نظارت و پیش‌داوری از سمت اجتماع خودی
<ul style="list-style-type: none"> - تفاوت میان سبک رابطه دو جنس مخالف در فرهنگ اروپایی و تعالیم اسلامی - چالش‌های روتین دینداربودن در اروپا - تفاوت میان تعریف فرزندان دختر و والدینشان از الگوی دختر مسلمان - تجربه تضاد میان الگوی دختر مسلمان ایدئال و الگوی ورزشکار ایدئال در نروژ 	۱، ۴، ۹، ۱۳، ۲۳	تفاوت و تنش میان دو سبک زندگی
<ul style="list-style-type: none"> - محجبه‌بودن مانعی در مسیر پیشرفت شغلی - مسلمان‌بودن مانعی در مسیر پیشرفت علمی 	۵، ۷، ۱۱، ۲۰	مسیر ناهموار پیشرفت زنان مهاجر مسلمان
<ul style="list-style-type: none"> - تجربه طردشدگی هم از سمت اجتماع خودی و هم از سوی جامعه میزبان - تجربه حس بیگانگی هم از فرهنگ خودی و هم از فرهنگ جامعه میزبان - چالش هم‌زمان با فرهنگ سنتی اجتماع خودی و با فرهنگ مدرن جامعه میزبان 	۹، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳	طردشدگی مضاعف

مطابق جدول ۲، یکی از چالش‌های مهم، «ذهنیت منفی و سوءرفتار جامعه میزبان» نسبت به زنان مسلمان است. این چالش در شانزده پژوهش از ۲۴ پژوهش در فراترکیب کنونی مشاهده شده و درواقع بیشترین تکرار را دارد. با توجه به جدول ۲، مقوله‌های مرتبط با چالش مذکور نشان می‌دهد خشونت‌های لفظی و فیزیکی، در ارتباط با زنان محجبه یا پوشیده‌دار، با شدت بیشتری به وقوع می‌پیوندد. همچنین برچسب‌زنی یا پیش‌داوری‌هایی مانند تروریست‌بودن و خطرناک‌بودن غالباً درمورد زنانی که به‌نوعی محجبه محسوب می‌شوند، شکل می‌گیرد. درواقع به‌نظر می‌رسد صرف داشتن نوعی از حجاب (روسری، نقاب و...)، زندگی روزمره زنان مسلمان را با چالش مواجه می‌کند. همچنین وجود تصاویر کلیشه‌ای از زن مسلمان در فضای فکری برخی جوامع اروپایی، به‌نوعی نشان‌دهنده ذهنیت منفی کشورهای میزبان است. صفاتی مانند جاهل^۱، عقب‌مانده^۲، غیرمتمدن^۳، منفعل^۴، قربانی^۵ و مورد ظلم قرار گرفته^۶ (از جانب پدر، همسر، برادر و...)، همگی از کلیشه‌های رایج درمورد زنان مسلمان هستند که به اذعان پژوهش‌های مورد بررسی در مطالعه کنونی، در اذهان جوامع مقصد وجود دارد و خیلی از اوقات در قالب سوءرفتار و خشونت‌های لفظی و فیزیکی نیز درمی‌آید. بااین‌حال ترسیم تصویرهای تاریک از زن مسلمان مهاجر به همین‌جا ختم نمی‌شود و در فضای شغلی و تحصیلی نیز آنان با موانعی جدی مواجه هستند. ناظر به چالش «مسیر ناهموار پیشرفت زنان مهاجر مسلمان»، به‌نظر می‌رسد داشتن حجاب، نقاب یا اسامی اسلامی، از عواملی است که مانع یافتن شغل مناسب در برخی از کشورهای اروپایی می‌شود. در ارتباط با وضعیت تحصیلی نیز چنین ادعایی از سوی زنان مهاجر مسلمان در پژوهش‌های مذکور وجود دارد. به‌زعم برخی از آنان، داشتن حجاب و پوشش اسلامی در محیط‌های آکادمیک موجب می‌شود تا توانمندی‌ها و جایگاه علمی آنان دیده نشود.

پیش از این و در بخش تأملات نظری، درباره فرایند غیریت‌سازی مسلمانان توضیح داده شد. حال یافته‌های پژوهش پیش‌رو را نیز (در رابطه با دو چالش اخیر ذکر شده) می‌توان در قالب پروژه کلان غیریت‌سازی اسلام فهم کرد. درواقع همان‌گونه که تلاش می‌شود تا اسلام به‌عنوان دیگری غرب و یک بیگانه معرفی شود، زن مسلمان نیز به‌عنوان دیگری زن غربی، معرفی می‌شود. زنی که هیچ شباهتی به زن غربی ندارد و هیچ‌کدام از داشته‌ها و محسنات او را دارا نیست. درواقع همان‌طور که غرب، دیگری اسلام را خلق می‌کند تا خود را در اوج تاریخ بشریت بنشانند. زن مسلمان شرقی نیز در برابر زن غربی خلق می‌شود تا برتری الگوی غربی از زن موجه جلوه کند.

همچنین با توجه به دیدگاه‌های مید، کولی و گافمن در رابطه با تأثیر نگرش دیگران بر شکل‌گیری هویت، قابل‌پیش‌بینی است که هویت دینی زنان مسلمان مهاجر در کشورهای اروپایی، با چالشی جدی مواجه خواهد بود؛ چرا که این زنان، در بدو ورودشان به جامعه مقصد، به‌خاطر زن مسلمان بودن، با انگ‌ها و برچسب‌هایی مواجه می‌شوند که خیلی پیش‌تر در ذهن جامعه میزبان نهادینه شده است. گافمن در همین رابطه و در قالب تئوری داغ ننگ توضیح می‌دهد که داغ ننگ یک ویژگی نامطلوب اجتماعی است که به صورت‌های گوناگون بروز می‌یابد. این صور شامل صدازدن نام به‌گونه‌ای متفاوت، سرزنش کردن، نادیده گرفتن و درنهایت اعمال خشونت است که موجب تخریب هویت فرد می‌شود. به‌زعم گافمن، داغ ننگ می‌تواند دسترسی افراد به منابعی مانند شغل و تحصیلات را محدود کند و زمینه‌ساز از دست‌دادن موقعیت و پایگاه اجتماعی شود (Mohammadi et al., 2022: 99)؛ بنابراین، ناظر به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان مکتب کنش متقابل و به‌طور مشخص گافمن، انگ‌ها، برچسب‌ها و پیش‌فرض‌هایی که زن مسلمان، به‌خاطر مسلمان‌بودنش از سمت جامعه میزبان دریافت می‌کند، قابلیت این را دارد که او را در تعریف هویت دینی خود با چالش موجه کند.

1. ignorant

2. backward

3. uncivilized

4. passive

5. victim

6. oppressed

«تحمیل سبک خاصی از زندگی به زنان مسلمان»، از دیگر چالش‌هایی است که در مطالعه کنونی به‌دست آمده است و اشاره به سیاست‌هایی دارد که به موجب آن زنان مسلمان نوعی از اجبار و فشار را برای شبیه‌شدن به جامعه مقصد تجربه می‌کنند. به‌نظر می‌رسد چالش مذکور را نیز می‌توان در قالب پروژۀ غیریت‌سازی اسلام و اسلام‌هراسی درک کرد. درواقع درنظرگرفتن زن مسلمان شرقی به‌عنوان دیگری زن غربی و تلقی سبک زندگی او به‌عنوان یک رقیب و حتی تهدید برای سبک مرسوم زندگی زنان در غرب موجب می‌شود تا اراده‌ای جدی از سوی جامعه میزبان برای غربی‌کردن زندگی زنان مسلمان مهاجر اتخاذ شود که این خود زمینه‌ساز چالش‌های جدی در تعریف هویت و کیستی زن مسلمان مهاجر در جامعه میزبان اروپایی خواهد شد. با وجود این، تحمیل سبک خاصی از زندگی به زنان مسلمان، زمانی چالش‌برانگیزتر می‌شود که آنان، «با نظارت و پیش‌داوری از سمت اجتماع خودی» نیز مواجه می‌شوند. درواقع، به‌نظر می‌رسد زنان مسلمان مهاجر در فراترکیب کنونی، از یک سو نوعی از فشار را برای شبیه‌شدن به کشور میزبان تجربه می‌کنند و از سوی دیگر با نظارت و کنترل دائمی اجتماعات قومی-مذهبی خود، در راستای شبیه‌نشدن به جامعه میزبان مواجه هستند که البته این خود زمینه‌ساز چالش دیگری برای آنان، یعنی تنش میان دو سبک زندگی اسلامی و اروپایی خواهد بود. در راستای تفاوت‌ها و تنش‌های مذکور، به‌مرور زمان، نوعی احساس طردشدگی در میان زنان مهاجر مسلمان پدیدار می‌شود. درواقع ناظر به یافته‌های مطالعه کنونی، بخشی از زنان مهاجر مسلمان، به‌دلیل زندگی در کشورهای اروپایی، به‌تدریج از فرهنگ خودی و بومی فاصله می‌گیرند. این دورشدن موجب می‌شود تا سبک زندگی، اعتقادات و ارزش‌های آنان از سبک زندگی اجتماع و اقلیت قومی-دینی خودشان متمایز شود و به‌نوعی از اجتماع خودی طرد شوند. از سوی دیگر، به‌واسطه شرقی، مسلمان، خارجی و مهاجر بودن و... درنهایت نمی‌توانند کاملاً شبیه به جامعه میزبان باشند و درنتیجه قادر نخواهند بود تا خود را متعلق به جامعه میزبان نیز بدانند. در چنین شرایطی زنان مهاجر نوعی طردشدگی، انزوا و عدم احساس تعلق را از جانب دو بستر فرهنگی اجتماع خودی و همچنین جامعه میزبان تجربه خواهند کرد که پژوهشگران این نوع از طردشدگی را طردشدگی مضاعف^۱ می‌خوانند (Alex, 1969: 210). ناظر به نظریات تاجفل و نقش کلیدی پیوند گروهی و احساس تعلق به گروه، در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد، روشن است که طردشدگی مضاعف زنان مهاجر مسلمان، مانعی بزرگ در مسیر هویت‌یابی‌شان خواهد بود. درواقع طردشدگی مضاعف، زمینه‌ساز حسی مضاعف از بیگانگی و عدم تعلق در رابطه با اجتماع قومی مذهبی و جامعه بزرگ‌تر برای زنان مسلمان خواهد بود و آنان در تعریف هویت دینی‌شان در جوامع مقصد با چالش روبه‌رو خواهد کرد.

۵-۲. راهبردهای زنان مهاجر مسلمان

همان‌گونه که قابل‌مشاهده است، در جدول ۳ مقوله‌ها و مضامین اصلی به‌دست‌آمده در رابطه با راهبردهای زنان مسلمان مهاجر آمده است. راهبردهای ذکرشده در جدول ۳، از طریق تحلیل نتایج پژوهش‌های کیفی در کشورهای آلمان، فرانسه، نروژ، اسپانیا، اسکاتلند و بریتانیا به‌دست آمده است؛ بنابراین، یافته‌های فراترکیب کنونی صرفاً مرتبط با نتایج پژوهش‌های کیفی مشخصی در کشورهای اروپایی مذکور است و ادعای تعمیم ندارد.

^۱. Double marginality

جدول ۳. راهبردهای زنان مهاجر مسلمان

مضامین اصلی (راهبردها)	شماره پژوهش‌های مرتبط با مقوله‌ها و مضامین اصلی	مقوله‌ها
شخصی‌سازی هویت دینی	۲، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۲۴	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید زنان مسلمان بر آزادی و اختیار در انتخاب سبک سبک پوشش - تأکید زنان مسلمان بر اهمیت انتخاب فردی در ارتباط با سبک مسلمانی - تعریف دین در قالب اعتقاد قلبی و نه پایبندی به احکام
اتخاذ‌گفتمان اسلام حقیقی	۲، ۶، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۹	<ul style="list-style-type: none"> - تلاش برای یادگیری اسلام حقیقی - تصحیح دیدگاه اروپاییان نسبت به اسلام از طریق ارائه اسلام حقیقی - تأکید بر اراده، اختیار و آگاهی زن مسلمان - به‌چالش کشیدن نگاه‌های سنتی و قومیتی و همین‌طور نگاه‌های مدرن به زن
عضویت و مشارکت در مراکز اسلامی	۱۹، ۲۱، ۲۴	<ul style="list-style-type: none"> - حمایت‌های سازمان‌های ایمان محور - ایجاد انجمن‌ها و مراکز اسلامی مرتبط با مسائل جوانان در انگلیس و آلمان
اتخاذ هویت‌های چندبعدی و منعطف	۳، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد هویت‌های جدید و منعطف - ایجاد هویت‌های چندبعدی (مدرن، اسلامی)

شخصی‌سازی از راهبردهایی است که به‌نظر می‌رسد بخشی از زنان مهاجر مسلمان در مواجهه با چالش‌های هویتی دینی، اتخاذ می‌کنند. زنان مذکور، بر فهم، درک و انتخاب فردی خود در رابطه با سبک مسلمانی در جوامع میزبان تأکید دارند و در واقع به‌نوعی هویت دینی خود را شخصی‌سازی می‌کنند. در قالب شخصی‌سازی، آنان صرفاً بر اعتقاد قلبی تأکید دارند. در واقع اسلام برای آن‌ها بیش از همه چیز یک اعتقاد قلبی است. اما در ارتباط با احکام و قواعد (بخش عملی دین) ضرورتی نمی‌بینند که ملزم به قواعد مذکور باشند. در واقع به‌نظر می‌آید که این زنان، بیش از آنکه هویت دینی و مسلمانی خود را مبتنی بر دیدگاه خانواده، اجتماع قومی، روحانیون مذهبی و... تعریف کنند، فهم و انتخاب شخصی خودشان در این رابطه برایشان ملاک است و هویت دینی خود را مبتنی بر تصمیم و انتخاب فردی خود تعریف می‌کنند؛ به‌عنوان مثال به اذعان برخی از زنان مهاجر مسلمان در پژوهش‌های مورد بررسی، حجاب، نمازخواندن یا روزه رمضان، اموری است که مرتبط با انتخاب شخصی خود زنان مسلمان است و ضرورتی ندارد که در این موارد از نسخه خاصی تبعیت کنند. در همین رابطه فدیله^۱، در مطالعات خود درباره دختران جوان مسلمان در بلژیک توضیح می‌دهد که فرایند فردگرایی^۲ به‌عنوان بخشی از فرایند سکولارشدن در جوامع میزبان اروپایی، هویت دینی زنان مهاجر مسلمان (و به‌خصوص نسل دوم) را درگیر می‌کند. به‌زعم فدیله، در نتیجه فردی‌شدن هویت دینی دختران مسلمان، دیگر منابع سنتی دین (خانواده، روحانیون و...) برای آنان اعتباری نخواهد داشت و به‌جای آن، سبک‌های جدیدی از مسلمانی توسط آنان اتخاذ خواهد شد؛ سبک‌هایی که بر انتخاب فردی بسیار تأکید دارد و به‌صورت انتخاب اختیاری بخش‌هایی از دین در روزمره زنان مهاجر مسلمان، نمود می‌یابد (Fadil, 2005: 145).

1. Nadia Fadil

2. individualization

همان‌طور که پیش‌تر و در بخش تأملات نظری توضیح داده شد، به‌زعم بری یکی از راهبردهایی که توسط مهاجران در مواجهه با فرهنگ متفاوت جامعه مقصد اتخاذ می‌شود، همانندی است. به بیان بری، زمانی که مهاجران، از یک سو، در پی ارتباط و تعامل مداوم با جامعه میزبان باشند و از سوی دیگر تمایل زیادی به حفظ هویت فرهنگی خود نداشته باشند، همانندی شکل خواهد گرفت. زنان مسلمان در مطالعه کنونی نیز با ابتنای مسلمانی خود بر نسخه‌های منعطف و تفسیرهای فردی از دین، تلاش کرده‌اند تا نوعی هویت دینی را برای خود تعریف کنند که به بستر مدرن و سکولار جوامع اروپایی میزبان مشابهت داشته باشد. در واقع در پی این بوده‌اند که از این طریق، تعامل و ارتباطشان را با جامعه میزبان تسهیل کنند. همچنین تلقی و تقلیل دین به یک اعتقاد قلبی یا غیرضروری دانستن تبعیت از احکام مشخص دینی و... نیز از سمت همین زنان می‌تواند معرفی از عدم جدیت آنان برای حفظ هویت دینی‌شان باشد؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد راهبرد شخصی‌سازی در مطالعه کنونی می‌تواند مصداقی از راهبرد همانندی باشد که بری به آن پرداخته است.

«عضویت و مشارکت در مراکز اسلامی»، دیگر راهبرد زنان مهاجر مسلمان است که به‌صورت مختلف، زندگی آنان را در جوامع مقصد تسهیل می‌کند؛ برای مثال، ایجاد انجمن‌هایی ویژه دختران جوان مسلمان در بریتانیا یا تشکیل انجمن «جوانان مسلمان در آلمان»^۱ نمونه‌هایی از مراکزی است که امکان شکل‌گیری حلقه‌های دوستانه و احساس تعلق را برای دختران جوان مسلمان فراهم می‌کند. تسریع یادگیری زبان کشور میزبان، پیشرفت تحصیلی یا تسهیل یافتن شغل در جامعه میزبان، از دیگر موهبت‌هایی است که از طریق انجمن‌های مذکور، نصیب دختران مسلمان می‌شود. نمونه‌ای دیگر «شبکه محافل اسلامی»^۲ در لندن است که با ایجاد فضایی مناسب و قابل قبول، امکان آشنایی دختران مسلمان و پسران مسلمان و ازدواج آن‌ها را فراهم می‌کند. همچنین سازمان‌های ایمن‌محور^۳، از دیگر مراکزی هستند که زنان مسلمان مهاجر را حمایت می‌کنند. به اذعان زنان مذکور در پژوهش‌های مورد بررسی، سازمان‌های نام‌برده علاوه بر ارائه حمایت‌های فکری و عقیدتی، آن‌ها را در رابطه با احقاق حقتشان در جوامع میزبان (مثل رفع قوانین منع حجاب) یاری می‌دهند. در واقع عضویت و مشارکت در مراکز مذکور از یک سو زمینه‌ساز تقویت پیوند و احساس تعلق آنان به اجتماع مسلمانان می‌شود و از سوی دیگر، با تسهیل موارد دیگر (مثل یادگیری زبان، یافتن شغل، پیشرفت تحصیلی و...) تعامل، تماس و ارتباط مهاجران مسلمان با جامعه میزبان را تسهیل می‌سازد.

«اتخاذ هویت‌هایی چندبعدی و منعطف» از دیگر راهبردهایی است که توسط زنان مسلمان مهاجر اتخاذ می‌شود. هویت‌هایی که لزوماً چارچوب‌مند نیستند؛ منعطف و ترکیبی هستند و چند بعد دارند. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی زنان مسلمان مهاجر در ارتباط با کیستی و هویتشان، فشاری است که از یک سو از طرف جامعه میزبان برای شبیه‌شدن و از سوی دیگر، از سمت خانواده و اجتماع قومی در راستای حفظ هویت دینی، دریافت می‌کنند. در چنین شرایطی، تعریف هویت در قالب‌های منعطف و چندبعدی، این امکان را به آنان می‌دهد تا در عین داشتن هویت دینی خود، در جامعه میزبان نیز به‌نوعی مورد پذیرش قرار بگیرند. در واقع اتخاذ هویت‌های دویعدی اسلامی-اروپایی یا دینی-مدرن، یکی از راهبردهای زنان مسلمان مهاجر در پژوهش‌ها بود و آنان از این طریق تلاش می‌کنند تا بدون طرد و کنار گذاشتن هویت دینی خود، ارتباط و تعامل خود را با جامعه میزبان نیز حفظ کنند. در واقع آنان در کنار هویت اسلامی خود، هویت اروپایی را نیز اصالت می‌دهند و تلاش می‌کنند هویتی دویعدی برای خود در نظر بگیرند.

بنابراین از طریق اتخاذ دو راهبرد اخیر، زنان مسلمان مهاجر، در پی تحقق نوعی ادغام^۴ (به بیان جان بری) در جامعه میزبان هستند. بری راهبرد مناسب برای اقلیت مهاجران در جامعه میزبان را نوعی راهبرد می‌داند که آنان را قادر می‌سازد تا هم هویت فرهنگی خودشان را حفظ کنند و هم به‌نوعی با جامعه میزبان تعامل کنند. در واقع، بخشی از زنان مسلمان مهاجر بررسی‌شده با حضور و مشارکت

1. Muslim Youth in Germany (MJD)

2. Islamic circles network

3. Faith-based organization

4. integration

در مراکز اسلامی جوامع میزبان اروپایی تلاش کردند تا از یک سو، از طریق بهره‌مندی از حمایت‌های روحی، اعتقادی و فکری مراکز و انجمن‌های مذکور هویت دینی خود را حفظ و تقویت کند و از سوی دیگر با استفاده از مواهب مراکز و انجمن‌های مذکور (در رابطه با یادگیری زبان، یافتن کار و...) در راستای تعامل و ارتباط و پذیرش در جامعه میزبان قدم بردارند. تعدادی دیگر از زنان مسلمان مهاجر نیز هویت‌هایی چندبعدی (هویت‌های اسلامی-اروپایی یا هویت‌های اسلامی مدرن) را اتخاذ کرده‌اند و از این طریق تلاش کرده‌اند تا هم‌زمان هویت و کیستی خود را در رابطه با جامعه میزبان و در ارتباط با اسلام تعریف کنند که این خود سبب می‌شود تا در عین حفظ هویت اسلامی خود، در جامعه میزبان نیز پذیرفته شوند.

«تأکید بر گفتمان اسلام حقیقی»^۱ یا اسلام ناب، از راهبردهایی است که با توجه به یافته‌های مطالعه فراترکیب کنونی، در مواجهه با چالش‌هایی هویتی دینی اتخاذ می‌شود. در واقع زنان مهاجر مسلمان در پژوهش‌های مورد بررسی، با به‌چالش کشیدن گفتمان قومی-سنتی و گفتمان مدرن در ارتباط با اسلام و زن مسلمان، گفتمانی جدید تحت عنوان اسلام حقیقی را ارائه کرده‌اند. زنان مهاجر مسلمان از یک سو معتقدند اسلام ارائه‌شده از سوی خانواده‌ها و اقلیت‌های قومی آنان در کشورهای میزبان، اسلام حقیقی و ناب نیست؛ چرا که به‌نوعی با فرهنگ قومی-خانوادگی آنان آمیخته است. در عین حال بر این باورند که تصویر دنیای مدرن از اسلام، مسلمانان و زن مسلمان نیز از واقعیت دور است؛ تصویری تاریک و کلیشه‌ای که به‌زعم زنان مسلمان مورد بررسی، مابه‌ازای واقعی ندارد؛ بنابراین با تأکید بر گفتمان اسلام حقیقی تلاش می‌کنند تا سنت‌های قومی-خانوادگی خود را نقد کنند. همچنین در پی آن هستند تا دیدگاه اروپاییان را به اسلام و مسلمانی تصحیح کنند. در راستای تصحیح و تعدیل دیدگاه جامعه اروپایی به زن مسلمان، برجسته‌ترین نکته‌ای که زنان مسلمان مهاجر بر آن تأکید دارند، این است که در گفتمان اسلام حقیقی، زن محجبه مسلمان، مجبور و بی‌اراده و منفعل نیست، بلکه انتخاب حجاب، پوشش اسلامی و به‌طور کلی سبک زندگی دینی، امری است که توسط زن مسلمان و به‌صورت آزادی و آگاهانه انجام می‌شود. در واقع بخشی از زنان مهاجر مسلمان در تلاش هستند تا هویت دینی خود را نه بر مبنای تعاریف قومیتی و سنتی از دین و نه مبتنی بر گفتمان مدرن در رابطه با اسلام، بلکه بر اساس گفتمان اسلام حقیقی بنا کنند.

بر اساس دیدگاه بری درباره راهبردهای مهاجران در کشور میزبان، به‌نظر می‌رسد راهبرد اخیر (اتخاذ گفتمان اسلام حقیقی)، راهبردی است که از نگاه او مغفول مانده است. در واقع بری، در رابطه با چگونگی مواجهه مهاجران با جامعه میزبان، به چهار راهبرد می‌پردازد (همانندی، ادغام، جدایی و حاشیه‌نشینی). اما در این میان، به اثرگذاری مهاجران بر جامعه میزبان و فرهنگ آن اشاره‌ای نمی‌کند. اینکه برخی از زنان مهاجر مسلمان بر آن هستند تا فعالانه بر تصویر مرسوم از اسلام و زن مسلمان در کشور میزبان اثر بگذارند و از طریق تأکید بر اسلام حقیقی در پی تصحیح و تعدیل تصویر مذکور هستند، بیانگر کنش فعالانه و اثرگذار زنان مهاجر مسلمان در جامعه مقصد است. این مواجهه فعال می‌تواند نوعی راهبرد در برخورد با جامعه میزبان باشد که در میان راهبردهای بری دیده نمی‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

مطالعه کنونی به بررسی چالش‌های هویتی دینی پیش‌روی زنان مهاجر مسلمان در اروپا پرداخته است. در مطالعه پیش‌رو تلاش بر آن بود تا ضمن بررسی چالش‌های مذکور، راهبردهای زنان مسلمان در برابر این چالش‌ها نیز بررسی شود. در واقع با نگاهی کل‌نگر و در قالب روش فراترکیب، مطالعات مرتبط با بحث چالش‌های هویتی دینی پیش‌روی زنان مهاجر مسلمان بررسی شدند. در همین راستا تحقیقاتی مدنظر قرار گرفتند که طی ۱۴ سال اخیر (از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳) انجام شده‌اند. در نهایت، ۲۴ مطالعه علمی در راستای موضوع انتخاب و بررسی شدند. نتایج مطالعه کنونی، از طریق تحلیل کیفی (تحلیل مضمون) یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای آلمان، فرانسه، نروژ، اسپانیا، اسکاتلند و بریتانیا مطالعه شد؛ بنابراین، محقق مدعی تعمیم نیست و یافته‌های مطالعه حاضر، مرتبط با نتایج ۲۴ پژوهش کیفی مشخص در کشورهای اروپایی مذکور است. نتایج فراترکیب در ارتباط با چالش‌های هویتی دینی

^۱. Pure Islam

پیش‌روی زنان مسلمان مهاجر، شش چالش اصلی را نمایان می‌کند که عبارت‌اند از: ذهنیت منفی و سوءرفتار جامعه میزبان، تحمیل سبک خاصی از زندگی به زنان مسلمان، مسیر ناهموار پیشرفت زنان مهاجر مسلمان، نظارت و پیش‌داوری از سمت اجتماع خودی، تفاوت و تنش میان دو سبک زندگی اسلامی و اروپایی، و تجربه طردشدگی مضاعف.

«ذهنیت منفی و سوءرفتار جامعه میزبان»، از پرتکرارترین چالش‌ها در پژوهش‌های بررسی شده بود. زنان مسلمان، به‌ویژه زنان محجبه، در جوامع میزبان با انواع سوءرفتار لفظی و فیزیکی مواجه‌اند. تصاویر کلیشه‌ای از زن مسلمان به‌عنوان فردی منفعل، قربانی و حتی تهدیدی برای ارزش‌های غربی، بخشی از این ذهنیت منفی است. «تحمیل سبک خاصی از زندگی به زنان مسلمان» نیز در بسیاری از کشورها در قالب سیاست‌های همسان‌سازی فرهنگی و تلاش برای «غربی‌سازی» زنان مسلمان از طریق محدودیت‌هایی مانند ممنوعیت حجاب یا تحمیل ارزش‌های سکولار، فشارهای مضاعفی بر زنان مسلمان وارد می‌کند. «مسیر ناهموار پیشرفت زنان مهاجر مسلمان»، همچنین به موانع شغلی و تحصیلی به‌ویژه برای زنان محجبه در جوامع میزبان اشاره می‌کند. در پژوهش‌های بررسی شده، بسیاری از زنان مسلمان اظهار داشته‌اند که داشتن پوشش اسلامی مانعی جدی در مسیر پیشرفت آنان در محیط‌های آکادمیک و شغلی ایجاد می‌کند.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، چالش ذهنیت منفی و سوءرفتار جامعه میزبان، تحمیل سبک خاصی از زندگی به زنان مسلمان و مسیر ناهموار پیشرفت زنان مسلمان را می‌توان در قالب پروژه کلان دیگرسازی اسلام و اسلام‌هراسی درک کرد. در واقع زن مسلمان (به‌عنوان بخشی از تمدن اسلامی) در مقام دیگری زن غربی (به‌عنوان جزئی از تمدن غربی) تعریف می‌شود. دیگری و دیگری که نه تنها شباهتی به الگوی زن غربی ندارد، بلکه در تضاد با آن به سر می‌برد. در چنین فضایی، زنان مسلمان مهاجر، با برچسب‌زنی‌ها، تصاویر منفی از خودشان، خشونت و حتی ایجاد مانع برای پیشرفتشان از سمت جامعه میزبان روبه‌رو می‌شوند. همچنین تحمیل یک سبک زندگی خاص به زن مسلمان و تلاش برای شبیه‌کردن او به جامعه بزرگ‌تر را می‌توان در راستای اسلام‌هراسی و هراس جامعه میزبان از زن بیگانه مسلمان فهم کرد. ناظر به دیدگاه مکتب کنش متقابل (مید، کولی و گافمن)، تأثیر بازتاب نگاه دیگران در شکل‌گیری هویت، ذهنیت، تصویر و نگاه تاریکی که در چنین شرایطی، جامعه بزرگ‌تر و میزبان به هویت دینی یک زن مسلمان دارد، می‌تواند هویت و کیستی آن زن را تخریب کند و او را در تعریف هویت دینی‌اش در جامعه مقصد با چالش مواجه سازد.

همچنین «نظارت و پیش‌داوری از سمت اجتماع خودی»، خود چالشی جدی برای زنان مسلمان مهاجر محسوب می‌شود. زنان مسلمان مهاجر علاوه بر فشار از جانب جامعه میزبان، با نظارت و پیش‌داوری از سوی خانواده‌ها و اجتماعات قومی-مذهبی خود نیز مواجه‌اند. در واقع زمانی که کنترل از سوی خانواده و اجتماع خودی برای شبیه‌نشدن زنان مسلمان به جامعه میزبان در کنار تلاش جامعه اروپایی برای تحمیل سبک زندگی غربی به همین زنان قرار می‌گیرد، شاهد چالش «تنش و تضاد میان دو سبک زندگی غربی و اسلامی» در زندگی روزمره‌شان خواهند بود؛ تضادی که معمولاً در قالب تعارض میان آموزه‌های دینی و سبک زندگی غالب در جوامع اروپایی، خودش را نشان می‌دهد.

نهایتاً اما «تجربه طردشدگی مضاعف»، چالشی جدی است که زنان مسلمان مهاجر با آن مواجه می‌شوند. تجربه طردشدگی و عدم تعلق، زمانی که به‌طور مضاعف و هم‌زمان از سوی جامعه میزبان و گروه خودی رخ دهد، ابعاد پیچیده‌تری پیدا می‌کند و پرچالش‌تر می‌شود. در واقع، براساس نظریه هویت اجتماعی تاجفل، هویت به‌طور عمده از پیوند فرد با گروه‌ها و احساس تعلق او به این گروه‌ها شکل می‌گیرد. در این شرایط که زنان مسلمان مهاجر به‌دلیل تجربه طردشدن از دو گروه خودی و میزبان، احساس تعلق به هیچ‌کدام از آن‌ها را ندارند، چنین احساسی از عدم تعلق، شکل‌گیری هویت دینی آنان در جامعه میزبان با موانع جدی روبه‌رو خواهد کرد.

در مورد راهبردهای زنان مهاجر مسلمان در قبال چالش‌های هویتی دینی نیز چهار راهبرد اصلی به دست آمدند که عبارت‌اند از: شخصی سازی هویت دینی، اتخاذ گفتمان اسلام حقیقی، عضویت و مشارکت در مراکز اسلامی، اتخاذ هویت‌های چندبعدی و منعطف. با توجه به نظریات جان بری درباره راهبردهای فرهنگ‌پذیری، می‌توان نتیجه گرفت که «شخصی‌سازی هویت دینی»، مصداقی از همان راهبرد همانندی است؛ چرا که زنان مهاجر مسلمان با شخصی‌سازی و انطباق هویت دینی با بستر سکولار جوامع مدرن تلاش می‌کنند تا تعامل و ارتباط مداوم خود را با جوامع میزبان را تقویت کنند. ارتباط و تعاملی که برای آنان بر حفظ هویت دینی‌شان اولویت دارد. اما «حضور و عضویت در مراکز اسلامی»، همچنین «اتخاذ هویت‌های چندبعدی و منعطف» می‌تواند مصداقی از راهبرد ادغام باشد؛ چرا که زنان مهاجر مسلمان از طریق اتخاذ دو راهبرد اخیر تلاش کرده‌اند تا هم‌زمان هم هویت دینی و هم ارتباط و تعاملشان را با جامعه میزبان حفظ کنند.

اما تأکید بر «گفتمان اسلام حقیقی یا اسلام ناب»، نشان‌دهنده یک کنش فعالانه و خلاقانه از سوی زنان مهاجر مسلمان است. در پژوهش‌های مورد بررسی، زنان مهاجر مسلمان از طریق به‌چالش کشیدن دو گفتمان غالب (گفتمان قومی-ستی و گفتمان مدرن)، گفتمان سومی را تحت عنوان اسلام حقیقی معرفی کرده‌اند. از طرفی این زنان بر این باورند که اسلام ارائه‌شده از سوی خانواده‌ها و اقلیت‌های قومی آنان در کشورهای میزبان، اسلام ناب نیست؛ چرا که این اسلام در بسیاری از موارد با عناصر فرهنگی-قومی و خانوادگی آمیخته شده و از جوهره اصلی آن فاصله گرفته است. این انتقاد، نوعی تلاش برای فاصله‌گیری از سنت‌های خانوادگی است که ممکن است با اصول بنیادین اسلام همخوانی نداشته باشد. به علاوه، زنان مهاجر مسلمان معتقدند تصویر جامعه مدرن غربی از اسلام و زن مسلمان نیز تصویری مخدوش و کلیشه‌ای است. این تصویر اغلب بر اساس پیش‌فرض‌های نادرست و در چارچوب گفتمان‌های رسانه‌ای شکل گرفته است که اسلام و مسلمانان را به‌عنوان گروهی واپس‌گرا، سرکوبگر و منفعل معرفی می‌کند. در این میان، گفتمان اسلام حقیقی به‌عنوان راهکاری ارائه می‌شود که این دو تصویر نادرست را به چالش می‌کشد و بازنمایی آن از زن مسلمان به‌عنوان فردی است که انتخاب‌هایش، از جمله پوشش اسلامی، حجاب و سبک زندگی‌اش، مبتنی بر اراده آگاهانه و انتخابی آزادانه است.

ناظر به مدل بری و راهبردهای چهارگانه او برای مواجهه مهاجران با جامعه میزبان (همانندی، ادغام، جدایی و حاشیه‌ای شدن)، به نظر می‌رسد راهبرد تأکید بر اسلام حقیقی، در این چارچوب جای نمی‌گیرد. مدل بری عمدتاً بر نحوه واکنش مهاجران به فرهنگ میزبان تمرکز دارد و به اثرگذاری فرهنگی مهاجران بر جامعه میزبان توجهی نشان نمی‌دهد. اما یافته‌های مطالعه کنونی نشان می‌دهد زنان مسلمان مهاجر با اتخاذ گفتمان اسلام حقیقی، نه تنها با چالش‌های هویتی مقابله می‌کنند، بلکه به دنبال تأثیرگذاری فعالانه بر گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان هستند.

۷. پیشنهاد‌های پژوهشی

در خصوص پژوهش‌های احتمالی آینده مرتبط با چالش‌های هویتی مهاجران مسلمان، یکی از محورهای مهم می‌تواند بررسی مفهوم پردشدگی مضاعف باشد. این مفهوم نه تنها به احساس جدافتادگی مهاجران مسلمان از جامعه میزبان اشاره دارد، بلکه به پردشدن یا عدم پذیرش از سوی اجتماع خودی نیز می‌پردازد. این نوع از پردشدگی اثرات روان‌شناختی، اجتماعی و حتی اقتصادی جدی بر مهاجران دارد و می‌تواند بر توانایی آن‌ها در انطباق با محیط‌های جدید تأثیر بگذارد. به نظر می‌آید بررسی مقایسه‌ای میان گروه‌های مختلف مهاجران مسلمان از کشورهای مختلف و ارزیابی نحوه تجربه این پردشدگی مضاعف، درک عمیق‌تر این پدیده را تسهیل خواهد کرد. از سوی دیگر، مطالعه تبعات و پیامدهای پردشدگی مضاعف، به‌ویژه در نسل‌های بعدی مهاجران، موضوعی بسیار ارزشمند است.

علاوه بر این، در ارتباط با راهبردهای مهاجران مسلمان در مواجهه با فرهنگ متفاوت جامعه میزبان غربی، پیشنهاد می‌شود تا مطالعات آینده بر نقش کنشگری فعالانه و خلاقانه مهاجران مسلمان تمرکز کنند. به جای نگاه منفعلانه به مهاجران به عنوان گروهی که صرفاً متأثر از فرهنگ میزبان هستند، می‌توان به نقش سازنده و اثرگذار آنان بر جوامع میزبان پرداخت. در همین راستا و در پژوهش‌های آتی می‌توان به چرایی و چگونگی واکنش‌های متفاوت جامعه میزبان به اثرگذاری فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران پرداخت و زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های مؤثرتر در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز شد.

۸. تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که در این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ahmed, S., & Gorey, K. M. (2023). Employment discrimination faced by Muslim women wearing the hijab: Exploratory meta-analysis. *Journal of Ethnic & Cultural Diversity in Social Work*, 32(3), 115-123. <https://doi.org/10.1080/15313204.2020.1870601>
- Alex, N. (1969). *Black in blue: A study of the Negro policeman*. New York, NY: Appleton-Century Crofts.
- Ali, Wijdan. (2006). Clichés of Muslim women in the West and their own world. *Quaderns de la Mediterrània*, 7, 29-36.
- Akbari Karimabadi, N. (2014). The role of Islamophobia in increasing the trend towards Islam in Europe and America. *Epistemological Religious Currentism in the International Arena*, 5(2), 15-52. (In Persian)
- Bartkoski, T., Lynch, E., Witt, C., & Rudolph, C. (2018). A meta-analysis of hiring discrimination against Muslims and Arabs. *Personnel Assessment and Decisions*, 4(2), 1. <https://doi.org/10.25035/pad.2018.02.001>
- Beck, C. T. (2002). A meta-synthesis of qualitative research. *MCN: The American Journal of Maternal/Child Nursing*, 27(4), 214-221.
- Benoist, A. D. (2004). *On identity*. Originally appeared in *Éléments*, 113.
- Berry, J. W. (1997). Immigration, acculturation, and adaptation. *Applied Psychology*, 46(1), 5-34. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.1997.tb01087.x>
- Bloom, P. B. N., Arikan, G., & Courtemanche, M. (2015). Religious social identity, religious belief, and anti-immigration sentiment. *American Political Science Review*, 109(2), 203-221. <https://doi.org/10.1017/S0003055415000143>
- Coser, L. A. (1994). *The lives and thoughts of great sociologists* (M. Al-Thalari, Trans.). Scientific Publication. (In Persian)
- Duderija, A., & Rane, H. (2019). *Islam and Muslims in the West*. Cham: Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-92510-3>

Fadil, N., & Cesari, J. (2005). *Individualizing faith, individualizing identity: Islam and young Muslim women in Belgium*.

Farooqui, J. F., & Kaushik, A. (2022). Growing up as a Muslim youth in an age of Islamophobia: A systematic review of literature. *Contemporary Islam*, 16(3). <https://doi.org/10.1007/s11562-022-00482-w>

Ghanbari Barzian, B., & Hemmati, M. (2014). Religious identity in Iranian society: A systematic review of studies (2001-2013). *Applied Sociology*, 26(3), 117-138. (In Persian)

Golmohammadi, A. (2010). Globalization and identity crisis. *National Studies*, 10(3), 11-48. (In Persian)

Goffman, I. (2007). *Dagh Nang: Thinking about a solution for the lost identity*. Translated by: M. Kianpour. Publishing House.

Jafarinjad, M., & Qaidi, M. (2012). Psychological operations: Hollywood in spreading the wave of Islamophobia. *Journal of Operations Studies Psychiatry*, 37, 11-13. (In Persian)

Kathawalla, U. K., & Syed, M. (2021). Discrimination, life stress, and mental health among Muslims: A preregistered systematic review and meta-analysis. *Collabra: Psychology*, 7(1), Article 28248. <https://doi.org/10.1525/collabra.28248>

Mead, J. H. (1964). *On social psychology: Selected papers*. University of Chicago Press.

Mohammadi, M., Foaldian, M., & Akbari, H. (2022). Hot disgrace: A systematic review of studies conducted in Iran. *Iranian Sociology*, 82(23), 98-130. (In Persian)

Mohseni, A. (2015). Contexts and identity challenges facing Muslims in Europe. *Political Studies of the Islamic World*, 5(4), 154-178. (In Persian)

Noorbakhsh, Y. (2019). *Atlas of the world's Muslim minorities with an emphasis on Shiites*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)

Said, E. (2011). *Orientalism*. Translated by: L. Khanji. Tehran: Amirkabir. (In Persian)

Samari, G., Alcalá, H. E., & Sharif, M. Z. (2018). Islamophobia, health, and public health: a systematic literature review. *American Journal of Public Health*, 108(6), e1-e9. <https://doi.org/10.2105/AJPH.2018.304402>

Seol, K. O. (2010). *Religious identity as a mediator between religious socialization from parents, peers, and mentors and psychological well-being and adjustment among Korean American adolescents*.

Sezgin, Z. (2022). Muslims' sense of belonging and identification in the Western world: An overview and comparison of scientific literature in North America and Europe. In *Muslims in the Western World: Sense of Belonging and Political Identity* (pp. 11–28). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-99487-7_2

Shahnavaz, W. A. (2017). Identification and analysis of drivers affecting celibacy in Iran. *Iranian Social Issues Quarterly*, 10(2), 157-191. (In Persian)

Spivak, G. C. (2023). Can the subaltern speak? In *Imperialism* (pp. 171–219). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003101536-9>

Stockemer, D., & Moreau, S. (2021). Muslim immigrants' sense of identity and belonging in the Western world: A comprehensive review. *Nations and Nationalism*, 27(1), 223–237. <https://doi.org/10.1111/nana.12622>

Tajfel, H., & Turner, J. C. (2004). The social identity theory of intergroup behavior. In *Political psychology* (pp. 276–293). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203505984-16>

اماره انتشار